



مصلح زاده گفت: سعودی چه بخواهد و چه نخواهد، عربستان به نوعی صندوق اعتبارات امریکا شده است. مثلاً امریکاز عربستان پول گرفت تا چریک های ضد نیکاراگوئه ای را تجهیز کند. این جریانات یعنی عربستان تعیین کننده نیست

گفتم ای کاش توافق ما با عربستان با واسطه نبود و خودمان برسرمیز می نشستیم. امریکا برای ادعای دموکراسی زیاد به وضوح نمی تواند خلاف اخلاقش عمل کند البته در جریان غزه آبروی خودش را برد و متوجه شدیم تحت تسلط سیاسی اسرائیل است و هیچ وقت منافع خودش را فدای منافع امریکا نمی کند. در حال حاضر امریکا بازنده جریان حقوق بشر در غزه شده است.

### عربستان از ترس ایران به سمت عادی سازی حرکت کرد

وزیر اسبق انرژی اتمی با اشاره به عواملی که باعث ارتباط گیری عربستان با اسرائیل، گفت: بنابراین نباید ایران فریب ظاهر را بخورد. ایران باید همه شرایط کشورها را بداند. ایران در خاورمیانه حقیقتاً جایگاه قدرتمندی دارد. این نقدها را باید به خودمان کنیم. یکی از عواملی که باعث شد عربستان با اسرائیل به سمت عادی سازی بروند، ترس از ایران بود. من یک مقاله نوشته بودم که نظر شخصی ام بود که در قانون اساسی کشور ما مواد ۱۱، ۱۵۲ و ۱۵۴ اشکال دارد. آوردن لفظ رابطه با ملت ها اشتباه است بلکه باید رابطه ما با دولت ها باشد. خوب وقتی عربستان این را ببیند، می گوید امکان دارد با استناد به این مواد در کشور ما دخالت های زیادی داشته باشید.

صالحی در پایان اذعان کرد: در ارتباط ایران و عربستان من خیلی خوشحال شدم و خدا را شکر کردم. حکما و بزرگان ما می گویند که دشمنی را به دوستی تبدیل کنیم. ما رفیق را به رفیق و رفیق را به دشمن تبدیل می کنیم. البته باید در پایان عرض کنم که سود و نفع ارتباط ایران و عربستان یکدفعه ای نمی شود و باید صبر کنیم ببینیم

که در آینده چه می شود.

### عربستان اساساً استراتژی ندارد!

مصلح زاده در ادامه گفت: باید یک تفاوتی قائل شویم بین تحلیل های ژورنالیستی، دیپلماتیک، ژئوپلیتیک، تئوریک و تحلیل های استراتژیک. آنچه من می خواهم بر مبنای آن سخنانم را بیان کنم، تحلیل های استراتژیک است. نظر من این است که در اکثر سخنان در بین تحلیل ها در ایران تفکیک مناسبی قائل نمی شویم. یعنی یک پدیده را تحلیل می کنیم ولی نمی گوئیم در چه قالبی آن را تحلیل می کنیم. مطبوعات، مسئولان و حتی متأسفانه دانشگاهیان ما متنی می نویسند و نمی گویند که در چه قالبی صحبت کرده اند. وی ادامه داد: در زمان تسخیر لانه جاسوسی یک مشکل جدی به وجود آمد و عده ای از مسئولان و استادان دانشگاه و ژورنالیست ها می گفتند که جاسوسان را آزاد کنیم تا کارتر در مقابل ریکان پیروز شود. این یک تحلیل دیپلماتیک است و دقیق هم هست. اما در تحلیل استراتژیک می گوئیم بازیگر جمهوری خواه یا دموکرات مهم نیستند و مهم دولت امریکاست. تحلیل استراتژیک می گوید دولت امریکا چه زمان کارتر، کندی یا حتی ریکان هیچ تغییری در رفتارش نسبت به رژیم صهیونیستی رخ نداده است. حالا کارتر، ریکان، بوش پدر، بوش پسر، اوباما، ترامپ و بایدن با اینکه از احزاب گوناگون هستند، سیاست آن ها نسبت به اسرائیل تغییر نکرده است.

وی اضافه کرد: چین، روسیه، امریکا و ایران استراتژی ویژه برای خود دارند اما عربستان ندارد.

عربستان در دعوی ایران درون لبنان بین حزب الله و طرف مخالف، کدام طرف بود؟ خوب طرف مخالف. خوب در دعوی مقاومت عراق و نیروهای ضد مقاومت، طرف کدام بود؟ طبیعتاً طرف ضد مقاومت. حتی در دعوی ایران و امریکا هم طرف امریکاست. عملاً عربستان در تمام منازعات منطقه در مستر پلن امریکا قرار گرفته است. سفیر سابق ایران در اردن بیان کرد: سعودی چه بخواهد و چه نخواهد، عربستان به نوعی صندوق اعتبارات امریکا شده است. مثلاً امریکا از عربستان پول گرفت تا چریک های ضد نیکاراگوئه ای را تجهیز کند. خوب مگر اینجا هم پای ایران و تصمیمات خطرناکی که آن ها به ما نسبت می دهند، وسط بود؟ این جریانات یعنی عربستان تعیین کننده نیست حالا چریک ضد ایرانی باشد یا ضد هر جای دیگر. البته در بحث چریک های ضد ایرانی عربستان علاقه شخصی

### مصلح زاده: عملاً عربستان در تمام منازعات منطقه در مستر پلن امریکا قرار گرفته است



بیشتری نیز نشان می دهد تا بتواند با انقلاب ایران درگیر شود.

### توافق پکن یک سوء تفاهم اساسی بود

خراتیان همچنین تصریح کرد: سؤال اصلی این بود که توافق ماه مارس ما با پکن پلن خوبی بود یا خیر؟ اینکه سیاست همسایگی ای که دولت آقای رئیسی در پیش گرفته است درست است یا خیر؟ بنده فکر می کنم چند سوء تفاهم اساسی ما را به سمت توافق پکن سوق داد. سوء تفاهم اول این بود که ایران با توافق با عربستان می تواند هژمونی امریکا را در منطقه زیر سؤال ببرد. سوء تفاهم دوم این بود که توافق با سعودی می تواند امنیت کشور را تضمین کند و دشمن به یک دوست تبدیل شود. سوء تفاهم سوم این بود که ما با توافق پکن می توانیم مانع عادی سازی روابط بین ریاض و تل آویو شویم. سوء تفاهم چهارم این بود که می شود با یک چیزی به نام سیاست همسایگی یک ابر معامله کلان بین ما و ابر قدرت ها درست کرد. سوء تفاهم پنجم این بود که فکر می کنیم می شود با سیاست همسایگی یک معماری امنیتی اقتصادی مطابق میل جمهوری اسلامی بسازیم و سوء تفاهم آخر هم اینکه می توان با سعودی به یک معامله سخت رسید که داده و ستانده آن مشخص باشد. در برجام بالاخره هر چه بود مشخص بود که چه مسائلی بیان شده، اما در قرارداد پکن هیچ چیز مشخص نیست.

این کارشناس مسائل بین الملل بیان کرد: اولین بحث اینکه باید بدانیم روابط سعودی و اسرائیل به چه زمانی برمی گردد. آیا بین سلمان تصمیم گرفت یک دفعه یک رابطه برقرار کند یا بین سعودی و اسرائیل یک رابطه پنهان و قدیمی وجود داشت؟ مثلاً نقش فؤاد حمزه بین روابط مخفی اسرائیل و عربستان چه بود؟ یعنی در زمانی که منطقه تقسیم بندی شد، یک معماری امنیتی و اطلاعاتی بزرگ بنا شده که ایران خارج از این معماری قرار داده شده است.

مدیر اندیشکده احیای سیاست افزود: این را باید بفهمیم که بن سلمان دارای یک رابطه با یک شبکه خاص الیگارشسی است که به اسرائیل بسیار نزدیک است. اینکه بگوئیم حالا برویم صحبتی کنیم و دلشان به رحم می آید که بگویند رئیس هم آدم خوبی است، اشتباه است و اصلاً از این خبرها نیست. مسأله سعودی یعنی مسأله امریکا. واشنگتن پست مطلبی منتشر کرده بود که چند نفر از مشاوران ارشد و اصلی بن سلمان چند نفر از افراد سرشناس پنتاگون هستند.

وی ادامه داد: ابر معامله سه جانبه این بود که در اینجا یک زلزله ژئوپلیتیک اتفاق بیفتد. یعنی با کریدور کذایی آی مک به علاوه عادی سازی روابط سعودی و

اسرائیل آن چیزی که در اجلاس ویلنیوس ناتو بر آن تکیه شده و آن چیزی که در سند امنیت ملی ۲۰۲۲ امریکا به آن تأکید شده که پیوند امنیتی یورو اتلانتیک و ایندو پاسیفیک از طریق خاورمیانه اتفاق بیفتد و معماری این هم در دستان اسرائیل باشد. یعنی اگر ایالات متحده بخواهد چین را مهار کند، امنیت و اقتصاد منطقه باید با اسرائیل رقم بخورد و ابر معامله سه جانبه این را تأمین می کرد.

خراتیان گفت: محمد بن سلمان و کریدور آی مک و گروه های اقتصادی و امنیتی را باید در فیلد تاریخی بررسی کنیم. اینطور نبوده که یکدفعه از زیر زمین بیرون بزنند من در نگاه بین الملل مارکسیست هستم. من به روابط اقتصادی و سیاسی اهمیت می دهم. تاریخ شبکه های الیگارشسی و پیوند این ها برای ما مهم است. نکته بعدی اینکه نقش مسائل داخلی امریکا و شکاف در طبقه حاکم اتلانتیک چه بوده است؟ این یعنی معامله ای که در منطقه قبل از حمله طوفان الاقصی شکل می گرفت. باید چند مرتبه بیان کرده که حماس می دانست که ما با سعودی ها می خواستیم معامله کنیم و آن ها این معامله را خراب کردند.

مدیر اندیشکده احیای سیاست اذعان داشت: آنچه که در توافق پکن اتفاق افتاد، یک سوء تفاهم اساسی نسبت به آنچه که در منطقه اتفاق افتاده بود؛ یعنی اینکه محمد بن سلمان به دنبال یک معاهده قوی و الزام آور با امریکا به عنوان شرط معامله عادی سازی بود اما بایدن می گفت تا جنگ یمن وجود دارد، نمی توانیم این کار را انجام بدهیم. ایران با توافق پکن کاری کرد تا بزرگترین خریدار نفت ما به عنوان میانجی گر به وسط آمد و خوشحال شدیم که هژمونی امریکا به چالش کشیده می شود. خراتیان در پایان گفت: نتیجتاً توافق ایران و سعودی یک توافق لرزان و پر سر اضطراب برای قضایای بعد از خانم مهسا امینی بود حتی بانک مرکزی یک ماه بعد از آن در اسفند ماه بیانیه ای داد که شاید دلار ارزان شود اما هیچ نشد و همین طور قیمت ها بالاتر رفت. دولت ما هنوز متوجه نیست که دعوا سر معماری امنیتی و اقتصادی است و آقایان در هر دو جناح اصولگرا و اصلاح طلب می خواهند محور مقاومت که معماری امنیتی اطلاعاتی سعودی و اسرائیل به قدمت ۱۹۲۰ را تا آرام کرده بود، بفروشند.

### فریب های دیپلماتیک در کمین ایران

مصلح زاده با توضیح مستر پلن های گوناگون، افزود: در روابط بین الملل چند مستر پلن داریم که طراح روابط بین الملل هستند و استراتژی خودش را با